



Ilam University



Iranian Association  
of Constitutional Law

## A Comparative Study of the Nature and Rulings of Misyar Marriage and Temporary Marriage from the Perspective of Sunni and Shia Jurisprudence

Fariba HajiAli<sup>1</sup>, Zeinab Nafar<sup>2</sup>, Fatemeh Hemati<sup>3</sup>

1. Associate Prof. Department of Islamic Law, Faculty of Theology ,Alzahra University, Tehran, Iran.

E-mail: [f.hajiali@alzahra.ac.ir](mailto:f.hajiali@alzahra.ac.ir)

2. Ph.D in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran.(Corresponding Author).

E-mail: [zznafar@gmail.com](mailto:zznafar@gmail.com)

3. Master of Art (M.A) in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

E-mail: [f.hemmati@yahoo.com](mailto:f.hemmati@yahoo.com)

### Article Info

### ABSTRACT

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 10 Jan 2025

Received in revised form 7

Feb 2025

Accepted 3 Mar 2025

Available online 31 Mar 2025

#### Keywords:

Comparative Islamic

Jurisprudence,

Misyar Marriage,

Temporary Marriage (Mut'ah),

Pre-nuptial Agreement.

Temporary marriage )Mut'ah( is one of the forms of marriage established in Islamic law. However, since this type of union is not considered legitimate by Sunni Muslims, they have proposed Misyar marriage as an alternative to address the sexual needs of individuals in society. From the viewpoint of contemporary Sunni jurists and legal scholars, Misyar marriage is a permanent union initiated through an offer and acceptance by the spouses or their representatives in the presence of qualified witnesses. It involves an agreement on a specified dowry and a mutual understanding to forgo certain marital rights, thereby making intimate relations between the spouses lawful. In this emerging form of marriage, the wife willingly relinquishes some of her conjugal rights, such as the right to financial support, housing, and cohabitation. In return, the husband also waives some of his rights, including control over the wife's activities like leaving the house, pursuing employment or education, and so forth. Given that Shia jurisprudence has accepted Temporary marriage and has used Quranic verses and traditions to prove that this ruling has not been abrogated, there is no need to adopt Misyar marriage in Imami Shia jurisprudence, even though some jurists have issued fatwas permitting it under specific conditions. Considering the practical adoption of this ruling by a segment of the Sunni community on one hand, and its effects and benefits on the other, it is necessary to examine the legitimacy of this marriage in comparison to the conditions and requirements of Temporary marriage. This research aims to resolve existing conflicts, analyze potential issues, and propose corrective measures regarding the laws of Islamic countries in this regard.

**Cite this article:** HajiAli, Fariba., Nafar, Zeinab., Hemati, Fatemeh. (2025). A Comparative Study of the Nature and Rulings of Misyar Marriage and Temporary Marriage from the Perspective of Sunni and Shia Jurisprudence. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (1), 47- 67. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2047516.1068>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2047516.1068>

**Publisher:** Ilam University.



Ilam University



Iranian Association  
of Constitutional Law

## مطالعه تطبیقی ماهیت و احکام نکاح مسیار با نکاح موقت از منظر فقه فریقین

فریبا حاجیعلی<sup>۱</sup> | زینب نفر<sup>۲</sup> | فاطمه همتی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [f.hajjali@alzahra.ac.ir](mailto:f.hajjali@alzahra.ac.ir)

۲. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: [zznafar@gmail.com](mailto:zznafar@gmail.com)

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [f.hemmati@yahoo.com](mailto:f.hemmati@yahoo.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نکاح موقت (متعه) یکی از ازدواج‌های مقرر در صدر اسلام و مورد تأیید فقهای شیعه می‌باشد؛ اما از آنجایی که این نکاح مورد مشروعیت اهل تسنن نمی‌باشد، بنابراین برای پاسخ به نیازهای جنسی افراد جامعه، ازدواج مسیار را مطرح نموده‌اند. نکاح مسیار از منظر فقها و حقوقدانان معاصر اهل تسنن، ازدواج دائمی است که با جاری کردن ایجاب و قبول توسط زوجین یا وکیل آن‌ها در حضور شهود جامع‌الشرایط و با توافق بر مهر معینی و نیز توافق بر عدم مطالبه برخی حقوق طرفین، موجب حلیت استمتاع زوجین از یکدیگر می‌شود. در این ازدواج نوظهور، زن با رضایت خود از برخی حقوق زوجیتش، مانند حق نفقه، سکونت و مسکن، صرف‌نظر می‌کند. در عوض، مرد نیز از برخی حقوق خود، از جمله حق تسلط بر زن در مواردی چون عدم خروج از منزل، عدم اشتغال به کار و تحصیل و... چشم‌پوشی می‌کند. از آنجایی که فقه شیعه ازدواج موقت را پذیرفته و عدم نسخ این حکم را با آیات و روایات اثبات کرده، علی‌رغم اینکه برخی از فقها با شرایطی خاصی، فتوا به جواز و مشروعیت آن داده‌اند لذا نیازی به پذیرفتن نکاح مسیار در فقه امامیه نمی‌باشد. با توجه به عملی ساختن بخشی از جامعه اهل تسنن به این حکم از یکسو و آثار و منافع آن از سوی دیگر، بررسی مشروعیت این ازدواج در مقایسه با شرایط و لوازم نکاح موقت ضرورت دارد و در این پژوهش، درصدد حل تعارضات موجود، آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای اصلاحی در خصوص قوانین کشورهای اسلامی می‌باشیم.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:

نکاح مسیار،

ازدواج موقت (متعه)،

شرط ضمن عقد،

فقه فریقین.

**استناد:** حاجیعلی، فریبا؛ نفر، زینب؛ همتی، فاطمه (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی ماهیت و احکام نکاح مسیار با نکاح موقت از منظر فقه فریقین. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۳ (۱)، ۶۷-۴۷.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2047516.1068>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



## مقدمه

ازدواج موقت، نوعی ازدواج شرعی است که در آن، رابطه زوجیت برای مدت معین و محدودی با مهریه‌ای معلوم، بین زن و مرد بسته می‌شود و این رابطه بعد از پایان مدت یا بذل مدت توسط زوج منقضی می‌شود و به‌طور کلی در مورد پیشینه تاریخی و مشروعیت آن در صدر اسلام مورد قبول همه مسلمانان بوده است، منابع تاریخی از جمله منابع شیعه و سنی نشان می‌دهند که در دوران پیامبر اسلام (ص) و حتی پس از وفات ایشان در زمان خلافت ابوبکر، ازدواج موقت (متعّه) رایج بود. این نوع ازدواج تا دوران خلافت عمر بن خطاب نیز ادامه داشت؛ اما پس از وقوع یک واقعه خاص در دوران خلافت عمر، او این ازدواج را حرام دانست و اعلام کرد که هر کسی که پس از این حکم به ازدواج موقت بپردازد، با مجازات سنگسار مواجه خواهد شد (الحمیدی، ۱۴۳۳ ق. ج ۲: ۲۹۵/عسقلانی، الإصابه، ۱۴۱۵ ق. ج ۳: ۱۲۱). پس در مورد مشروعیت نکاح موقت مسلمانان به دو گروه تقسیم شدند؛ اهل سنت قائل بر نسخ و حرمت حکم متعه و فقهای امامیه معتقد به عدم نسخ و استمرار جواز آن هستند. این نوع نکاح، در قانون مدنی<sup>۱</sup> ایران پذیرفته شده است و مشروعیت آن در عصر پیامبر گرامی اسلام (ص)، مورد قبول همه مسلمانان بوده است. فقدان نکاح موقت در میان اعراب سنی مذهب از یک‌سو و پاره‌ای از مشکلات اقتصادی و موانع اجتماعی از سوی دیگر موجب شد تا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاورمیانه از نکاح مسیار که در ظاهر، نوعی نکاح دائم ولی به جهت تنازل برخی از حقوق زوجیت، این امر از جهت آثار عملی شبیه ازدواج موقت است، استفاده نمایند.

ازدواج مسیار به جهت دارا بودن ارکان، شرایط و آثار صحیح شرعی عقد نکاح، همان ازدواج دائم است؛ ولی به جهت اسقاط برخی از حقوق متقابل زوجین از ازدواج دائم متمایز می‌شود و شباهت به ازدواج موقت پیدا می‌کند و در واقع نوعی نکاح منقطع است بدون اینکه در آن زمان خاصی معین شود، با این تفاوت که در نکاح متعه تعیین مدت و مهر از شرایط اصلی صحت عقد می‌باشد، در حالی که ازدواج مسیار به نحو دائم منعقد می‌گردد و تعیین مهر در آن شرط صحت نیست.

لازم به ذکر است در مورد پیشینه نکاح مسیار می‌توان گفت که برخی ازدواج در متون فقهی به سابقه تاریخی مسیار اشاره شده است و برخی از متون معتبر به این موضوع پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، ابن قدامه در کتاب «المغنی» درباره این نوع ازدواج مطالبی را ذکر کرده است: «مردی که در ازدواج با زنی شرط نماید که در هفته یک شب نزد وی باشد یا در ازدواج دیگری شرط کند که در هر ۱۱ ماه یا ۵ درهم به زوجه نفقه دهد یا شرط نماید روزهای مشخصی از ماه به ملاقات وی رود.» (ابن قدامه المقدسی، بی‌تا: ۴۵۰). برخی دیگر ازدواج مسیار به‌عنوان یک پدیده جدید معرفی کردند که نخستین بار در منطقه تیمم عربستان سعودی ظاهر شد و سپس به سایر مناطق و کشورها گسترش یافت. فردی که ایده اولیه این نوع ازدواج را مطرح کرد، فهد الغنیم بود (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ۱۱). این موضوع از منظر فقه شیعه و در منابع فارسی به‌ندرت مورد بحث قرار گرفته است، با این حال، در فقه اهل تسنن و برخی از منابع عربی کشورهای خاورمیانه کم و بیش مورد واکاوی قرار گرفته است برای مثال، طارق ربیع المنعم خلف در مقاله‌ای به‌طور مفصل به بررسی مشروعیت این نوع ازدواج در فقه اهل تسنن می‌پردازد (خلف، ۲۰۱۷ م)، الحمدان هم ضمن بررسی موضوع از منظر فقه اهل تسنن بر این باور است که این نوع ازدواج برای علمای اولیه کمتر شناخته شده بود و علمای متأخر بیشتر بدان پرداخته‌اند و بر این باور است که دارای اشکالات مختلفی است (الحمدان، ۲۰۲۵ م).

زیغمی نیز در مطالعه‌ای دیگر این موضوع را در حوزه فقهی و حقوقی از منظر قوانین الجزایر مورد بررسی قرار می‌دهد و بر این باور است که شکاف علمی میان شرع و قانون وجود دارد که مستلزم بررسی‌های علمی بیشتری است (زیغمی، ۲۰۲۳ م).

در این میان، گروهی از فقهای اهل سنت با تعریف ماهیت آن، حکم به جواز یا اباحه با کراهت آن داده‌اند. برخی افراد ازدواج مسیاری را حرام دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر معتقدند که باید در مورد آن احتیاط و توقف کرد (أشقر، ۱۴۲۰ ق: ۲۴۷). از علمای معاصر شیعه نیز حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و برخی از مراجع مانند آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی، آیت‌الله محمدتقی بهجت<sup>(۵)</sup>، آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، اجمالاً آن را مطرح و با شرایطی خاصی، فتوا به جواز و مشروعیت آن داده‌اند (بقاعی حسینی، ۱۴۲۳ ق: ۱۰۵-۱۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ش: ۱).

ادعا شده که نکاح مسیاری، نوعی نکاح دائم است که برخی از شرایط ایجاب و قبول و مهریه را داراست؛ با این تفاوت که در آن التزامی به حقوق زوجیت وجود ندارد و در ازدواج مسیاری، زن از برخی از حقوق خود، از جمله حق نفقه، حق سکنی و حق قسم، صرف‌نظر می‌کند. به دلیل اینکه این نوع ازدواج تمامی شرایط و احکام ازدواج دائم را ندارد، تفاوت‌هایی با نکاح دائم دارد، در حلیت و حرمت آن میان فقیهان اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به پذیرش ازدواج موقت توسط فقهای شیعه و با وجود اینکه برخی از فقها امامیه با در نظر گرفتن شرایطی، فتوا به جواز و مشروعیت نکاح مسیاری داده‌اند لذا نیازی به پذیرفتن این نکاح در فقه امامیه نمی‌باشد.

## ۱. مفهوم شناسی اصطلاحات:

### ۱-۱. عقد

معنای لغوی عقد: در فرهنگ لغت، چندین معنا برای عقد گفته شده که از جمله: ۱- پیمان ۲- قرارداد (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، کلمه‌ی عقد) برخی گفته‌اند: عقد در لغت به معنای بستن، گره، زدن و محکم کردن است (فیروزآبادی، بی تا: ۳۱۵). معنای اصطلاحی عقد: فقهای امامیه تعاریف مختلفی از عقد ارائه کرده‌اند: برخی عقد را «ایجاب مرتبط با قبول یا ایجاب مقترن با قبول» می‌دانند. در این دیدگاه، تأکید بر اراده است و این اراده از طریق لفظ و گفتار سبب ایجاد قصد و انشاء و به تبع آن عقد می‌شود (عاملی نجفی، ۱۳۹۱ ش: ۱۴۷).

بر اساس نظر دیگر عقد «التزام در برابر التزام» یا «ربط برقراری به قرار دیگر» است؛ یعنی اگر عهد، التزام باشد، عقد، التزام در برابر التزام است (امام خمینی: کتاب البیع ۱۴۲۱ ق: ۶۸) گروه دیگری عقد را به معنای عهد مؤکد تعریف کرده‌اند (نراقی، بی تا: ۱۰).

در حقوق ایران، واژه عقد چنین تعریف شده است: «در عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.» (محمدی‌نژاد، ۱۳۹۲ ش). برخی دیگر چنین تعریف می‌کنند: «عقد عبارت است از ماهیت حقوقی که با همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در عالم اعتبار به وجود می‌آید.» (شهیدی، ۱۳۹۵ ش: ۳۹).

### ۱-۲. نکاح

معنای لغوی نکاح: واژه نکاح در لغت، معنای بسیاری دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به زن کردن، عقد زناشویی بستن، ترویج، زناشویی عروسی و بغل خوابی اشاره کرد (لغت‌نامه دهخدا، موسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی ۱۴۰۳ ش).

به قول بعضی، نکاح حقیقت در عقد است از جهت کثرت استعمال در عقد و به قول برخی دیگر، نکاح در هر دو معنی مشترک است؛ زیرا در هر دو به کار گرفته شده و اصل در کاربرد آن، حقیقت است. همچنین، برخی گفته‌اند که نکاح در اصل به معنای پیوستگی است و گفته می‌شود: «تناکح الجبلان اذا التقیا» یعنی دو کوه در مقابل هم واقع شده‌اند (نجفی جوهری، ۱۴۱۲ ق: ۵). معنی دیگر آن ضم و انضمام است و گفته می‌شود: «تناکحت الأشجار: اذا انضم بعضها الی بعض» یعنی هرگاه درختان به هم پیوسته باشند (فیومی: ۱۳۷۲ ش: ۶۲۴).

معنای اصطلاحی نکاح: در اصطلاح فقها، نکاح بیشتر به معنای وطی و عقد به کار رفته است (علامه حلی، ۱۳۸۸ ش: ۵۶۵). مشهور فقها گفته‌اند که نکاح لغتاً به معنای «وطی» و شرعاً برای «عقد» وضع شده است و در آن حقیقت شرعیه می‌باشد. البته مقصود از عقد، تنها صیغه نکاح است و مراد حاصل از آن است که در فارسی از آن به زن گرفتن و شوهر کردن تعبیر می‌کنند. از مجموع تعاریف فقهای اهل سنت نیز چنین تعریفی قابل برداشت است؛ نکاح، عقدی است که با انجام آن، تمتع و بهره‌برداری مشروع هر یک از زوجین از دیگری مجاز می‌شود. تعریف مشهور نکاح در میان حقوق‌دانان این است که: «نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، قانوناً با هم متحد می‌شوند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۹ ش: ۳۵).

در تعریف دیگری آمده که: «نکاح عبارت است از رابطه حقوقی که بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند.» (امامی، ۱۳۹۳ ش: ۲۶۸). برخی دیگر عنوان کرده‌اند که: «نکاح، رابطه‌ی حقوقی- عاطفی است که با عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آن‌ها حق می‌دهد با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، تمتع جنسی است.» (بزدی، ۱۳۹۵ ش: ۲۲).

### ۱-۳. متعه

معنای لغوی متعه: متعه نیز معنای لغوی فراوانی دارد از جمله: برخورداری، قوت روزگذار، توشه بسنده و توشه اندک. متعه الطلاق: آنچه از جامه و نفقه بعد از طلاق به زن دهند. متعه النکاح: زنی را به جهت تمتع چندروزه به نکاح درآوردن (لغت‌نامه دهخدا، ۱۴۰۳ ش) در سایر منابع متعه این‌گونه معنا شده است: ۱- آنچه که از آن برخوردار شوند. ۲- زنی که برای تمتع، به مدت معینی صیغه شود. ۳- صیغه (عمید، ۱۳۶۲ ش) واژه متعه از ریشه «متع» است که در لغت به معنای چیزی است که از آن بهره‌برداری شده و به معنای انتفاعی کوتاه‌مدت و موقت نیز به کار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۷۶ ش: ۷۹).

معنای اصطلاحی متعه: متعه، در کتب فقهی شیعه و سنی تعریف شده است که مختصرترین تعریف آن چنین آمده است: نکاح متعه عبارت است از نکاح منقطع و دائم (شهید ثانی، ۱۳۶۹ ش، ج ۳: ۲۴۵). در کتاب الخلاف آمده است: در مذهب امامیه، نکاح متعه مباح و مجاز است. در این نوع نکاح، فرد زنی را برای مدت معین و در مقابل مهر مشخصی به عقد خود درمی‌آورد (م. ح. حر عاملی، ۱۴۱۲ ق: ۴۹۶).

متعه یا ازدواج موقت به این معناست که زن، به‌طور مستقیم یا از طریق وکیل خود، خود را برای مدت معین و با مهریه مشخص به ازدواج مردی درمی‌آورد که از نظر شرعی موانع ازدواج با او وجود نداشته باشد. موانع شرعی شامل مواردی هستند که طبق موازین شرعی، ازدواج را ممنوع می‌کنند؛ مانند خویشاوندی نسبی یا سببی، یا وضعیت‌هایی مانند نسبت رضاعی یا عده یا داشتن شوهر (عسگری، ۱۳۷۷ ش: ۱۴) طبق ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی ایران: نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

#### ۱-۴. مسیار

معنای لغوی مسیار: برای واژه «مسیار» از نظر لغوی دو نظریه وجود دارد: برخی بر این باورند که «مسیار» ریشه لغوی ندارد و صرفاً یک واژه عامیانه است که در منطقه نجد در عربستان سعودی به معنای دیدار روزانه به کار می‌رود. علت نام‌گذاری این نوع ازدواج به این شکل، این است که شوهر معمولاً در ملاقات‌های روزانه برای دیدن همسرش به خانه او می‌رود، مشابه دیدار از همسایه‌ها. نظریه دیگری وجود دارد که بر اساس آن، «مسیار» صیغه مبالغه از واژه «سیر» (به معنای حرکت یا رفت‌وآمد) است (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ۱۰).

در تعریف دیگری، «مسیار» ازدواج مسیار به معنای حرکت و عبور است و از واژه «سیر» گرفته شده است. در اصطلاح عامیانه، به‌نوعی ازدواج اشاره دارد که در آن مرد در یکی از شهرهایی که برای تجارت یا تحصیل به آن سفر کرده، با زنی ازدواج می‌کند تا در مدت‌زمان اقامت خود در آنجا، با او باشد. این دیدگاه توسط شیخ یوسف قرضاوی پذیرفته شده و او می‌نویسد: «مسیار کلمه‌ای است که در خلیج رواج یافته و شاید به معنای مرور به زوجه یا سیر به وی می‌باشد و ازدواجی است که در آن زندگی دائمی و مبیت نیست» (أشقر، ۱۴۲۰ ق: ۱۶۱). «مسیار» برای مردی که زیاد سفر می‌کند، به کار می‌رود. دلیل اینکه این اصطلاح به‌نوعی ازدواج اختصاص داده شده، این است که در ازدواج مسیار، الزام به حقوق کامل زوجیت وجود ندارد. در این نوع ازدواج، مرد به‌گونه‌ای عمل می‌کند که مشابه یک مسافر (مرد سیار) است و خود را ملزم به حقوقی که ازدواج دائم معمولاً به همراه دارد، نمی‌داند، نظیر نفقه و اقامت، نمی‌داند. (همان)

معنای اصطلاحی مسیار: مسیار مبحثی جدید است که در کتاب‌های فقهی قدیمی، چنین اصطلاحی یافت نمی‌شود، اما فقها و حقوقدانان معاصر آن را به این شکل تعریف کرده‌اند: «ازدواجی است که در آن مرد و زن عقد شرعی با تمام ارکان و شرایط می‌بندند و فقط زن از سکونت و نفقه صرف‌نظر می‌کند» (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ۱۰). برخی دیگر معتقدند: ازدواج مسیار نوعی ازدواج است که با ایجاب و قبول، شهادت شهود و حضور ولی بین مرد و زن منعقد می‌شود. در این نوع ازدواج، زن از حقوق مادی مانند مسکن، نفقه و حقوق مربوط به فرزندان و همچنین برخی حقوق معنوی نظیر حق قسم و هم‌خواهگی صرف‌نظر می‌کند. علاوه بر این، زن موافقت می‌کند که مرد تنها در برخی از زمان‌ها به او مراجعه کند (زحیلی، ۱۴۲۸ ق: ۴۸). برخی گفته‌اند: «غالباً ازدواج مسیار، ازدواج دوم یا سوم است و نوعی از تعدد زوجات محسوب می‌شود.» (أشقر، ۱۴۲۰ ق: ۱۶۳). در نتیجه تعریفی که نزد جمهور فقها به دست می‌آید این است که مسیار ازدواجی است که تمام ارکان و شروط نکاح شرعی متعارف در آن موجود می‌باشد با این قید که زن با رضایت خودش از بعضی حقوقش مثل نفقه و مبیت و مسکن و غیره تنازل می‌کند. البته شوهر نیز از بعضی از حقوق خود به سبب شرط تنازل می‌کند.

## ۲. مبانی فقهی نکاح مسیاری در مقایسه با نکاح موقت

### ۲-۱. ماهیت و ارکان نکاح مسیاری از نظر فقهای فریقین

#### ۲-۱-۱. ماهیت نکاح مسیاری

نکاح مسیاری، نکاحی جامع با تمام ارکان و شرایط نکاح با این تفاوت که در ضمن عقد، زوجه از برخی حقوق خود از جمله نفقه، مسکن و مبیعت صرف‌نظر می‌کند. یکی از علمای معاصر کویت در تعریف نکاح مسیاری می‌گوید: «آشکارترین شیوه مسیاری از نظر من آن است که مرد بالغ و عاقل با زن بالغ و عاقل (و حلال برای او) با مهر معین و حضور شهود، پیمان زناشویی می‌بندند و شرط می‌کند، چه شرط مذکور در عقد یا شرط ثابت به عرف و قرائن احوال که مرد نفقه زوجه را نپردازد و شب‌ها، مگر در موارد اندک، نزد او نیاید.» (أشقر، ۱۴۲۰ ق: ۱۶۵). از نظر برخی دیگر، «نکاح مسیاری، نکاحی است که دارای ایجاب و قبول بوده و با حضور ولی و شاهد، منعقد می‌شود؛ اما زن در آن تعهد می‌نماید که از حقوق خود که شامل نفقه و قسم است، صرف‌نظر نماید. این نکاح، شرعاً جایز است اما مقاصد و اهداف اساسی ازدواج، از قبیل آرامش و معاشرت و تربیت اولاد، در آن تحقق نمی‌یابد» (ابن سلیم، ۲۰۰۰ م: ۳). برخی افزوده‌اند که: «زن در نکاح مسیاری، در ازای اسقاط برخی حقوق خویش (نظیر نفقه و مبیعت) تا حدودی در امور روزمره خود نظیر اشتغال و خروج از منزل، آزاد است» (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ۱۰). به واسطه جدید بودن این نوع ازدواج و عدم نیاز به آن در فقه شیعه، بسیاری از فقهای شیعه هنوز نظری در این زمینه ارائه نکرده‌اند. لیکن نظر برخی از فقها و مراجع معاصر را از طریق استفتاء از دفتر ایشان به دست آوردیم:

آیت‌الله مکارم شیرازی نکاح مسیاری را در واقع شبیه نکاح موقت در فقه امامیه دانسته و آن را صحیح می‌داند: «نکاح مسیاری، به نکاحی می‌گویند که تمام شرایط نکاح، از جمله ایجاب، قبول و مهر و شاهد که در نظر عامه از شرایط نکاح است را دارد با این تفاوت که زن از بسیاری حقوق خویش می‌گذرد مانند حق نفقه، سکنی و لباس، حق القسم (شب خوابی)؛ حال اگر قصدش این باشد که بعد از مدتی طلاق دهد، بحث جداگانه‌ای دارد که همان الزواج بقصد الطلاق است. پس در این نکاح، زن در خانه خودش ساکن است و از نفقه خودش می‌خورد، فقط شوهری دارد که گاه‌وبیگاه به او سر می‌زند بنابراین شبیه نکاح متعه است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ش: ۲۲).

آیت‌الله بهجت (ره) با استناد به این که اسقاط حقوقی نظیر نفقه، مسکن و مبیعت از مصادیق «اسقاط مالیم یجب» به شمار می‌رود، تراضی بر اسقاط این حقوق را بی‌فایده دانسته‌اند. به گفته ایشان، با چنین توافقی این حقوق ساقط نخواهد شد؛ اما اگر توافق به صورت شرط فعل باشد، به این معنا که علی‌رغم استحقاق زوجه به این حقوق، او تصمیم بگیرد که این حقوق را درخواست نکند، نکاح و شرط به صحت خواهند بود. آیت‌الله سیستانی نکاح مسیاری را از نظر ذاتاً بدون اشکال دانسته‌اند و معتقدند که صرف‌نظر کردن زوجه از حقوقی مانند نفقه، مسکن و عدالت در هم‌خوابی مشکلی ندارد. باین حال، توافق بر اسقاط حق ارث را باطل اعلام کرده‌اند. طبق نظر آیت‌الله تبریزی، ازدواجی به نام مسیاری در اسلام وجود ندارد. اگر منظور از مسیاری همان ازدواج موقت باشد، این نوع ازدواج با رعایت شرایط مشخص آن صحیح خواهد بود. آیت‌الله نوری همدانی نکاح مسیاری را با موازین امامیه سازگار ندانسته و به بطلان آن رأی داده‌اند. در مقابل، آیت‌الله موسوی اردبیلی بر این باورند که نکاح مسیاری تنها در صورتی صحیح است که به صورت عقد موقت و با رعایت شرایط خاص آن انجام شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۲. ارکان نکاح مسیاری

از دیدگاه اهل سنت، ازدواج صحیح دارای ارکان، شرایط و مقاصدی است؛ و نکاح مسیاری، نکاحی است که همه ارکان و شرایط ازدواج در آن وجود دارد؛ بنابراین ویژگی‌های ازدواج صحیح از منظر اهل سنت به‌طور اجمالی عبارت است از: وجود زوجین (زن و مرد) و انشاء صیغه (ایجاب و قبول) می‌تواند به‌صورت شفاهی، نوشتاری، یا حتی با اشاره در مورد افراد ناشنوا و نابینا انجام شود. وجود مهریه در ضمن عقد شرط نمی‌باشد (عباسی بناری، ۱۳۹۵ ش).

## ۲-۱-۳. آثار نکاح مسیاری

آثار نکاح مسیاری برخلاف ارکان آن، در وقوع یا عدم وقوع زوجیت دخالتی ندارد.

توارث در مسیاری: مطابق بررسی‌های صورت گرفته این مسئله بین فقها اختلافی است لیکن در این خصوص و با توجه به اینکه نکاح مسیاری نوعی نکاح دائم است و البته با تفاوت‌هایی در شرایط ضمن عقد، می‌توان گفت که وضعیت ارث در نکاح مسیاری کاملاً مشابه نکاح دائم است؛ بدین معنا که زن در این نوع ازدواج از شوهر خود ارث می‌برد و مشمول قوانین کلی ارث در فقه اسلامی می‌شود؛ و مطابق نظر آیت‌الله سیستانی زوجین حق اسقاط ارث را ندارند ولی مطابق نظر برخی دیگر از فقها، زن این اختیار را دارد که از حق ارث خود صرف‌نظر کند.

تولد فرزندان در مسیاری: در این مورد مهم، بدون هیچ اختلافی بین فقهای موافق نکاح مسیاری، یک حکم کلی وجود دارد و آن هم این است که فرزندان متولد شده در نکاح مسیاری، از هر نظر مطابق شرع، ملحق به والدینشان بوده و بقیه شرایط خاص، تابع توافق و شروطی می‌باشد که طرفین در ضمن عقد نموده‌اند (صادقی، ۱۳۸۷ ش).

نقعه در مسیاری: نقعه، مطابق شرایط و ارکان و احکام نکاح دائم، بر عهده شوهر است؛ مگر اینکه شرط خلاف شده باشد. در مسیاری هم که نکاحی دائم است اما معمولاً زن از خود در این نوع ازدواج صرف‌نظر می‌کند (بابایی، ۱۳۸۹ ش: ۱۴-۸).

## ۲-۱-۴. حکم شرعی نکاح مسیاری

با توجه به اینکه نکاح مسیاری در دوران معاصر و در برخی کشورهای اسلامی، به‌ویژه در میان اهل سنت، به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است، مورد نقد و بررسی‌های فراوان فقها و علمای آن‌ها قرار گرفته است. همچنین، برخی از فقهای شیعه نیز به تحلیل فقهی این نوع ازدواج پرداخته‌اند. در مورد حکم نکاح مسیاری، میان علمای معاصر اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای این نوع ازدواج را صحیح و مشروع می‌دانند، اما در مورد شرایط آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که تمامی شرایط نکاح مسیاری صحیح است، در حالی که برخی دیگر اصل ازدواج مسیاری را تأیید کرده، اما شرایط ضمن آن مانند شرط اسقاط حق نفقه و اقامت را باطل دانسته و بر این باورند که زوجه حق مطالبه این حقوق را دارد (أشقر، ۱۴۲۰ ق: ۱۸۷). دکتر قرضاوی می‌نویسد: «من از مروّجین نکاح مسیاری نیستم و خطبه عقدی که برای ازدواج مسیاری باشد نمی‌خوانم؛ اما این ازدواج، مباح است با کراهت، یعنی حلال است که مستحب نیست و بیم آن می‌رود که به دنبال چنین ازدواجی خسارت و ضررهایی باشد.» (همان: ۱۷۵). زحیلی در مورد مسیاری اظهار می‌دارد: «این ازدواج شرعاً مرغوب فیه نیست، زیرا در این ازدواج مقاصد شرعی یعنی سکون نفسی، اشراف بر اهل و اولاد، رعایت و حفاظت از خانواده، به‌طور کامل و تربیت کامل محقق نمی‌شود.» (زحیلی، ۱۴۲۸ ق).

به دلیل نوظهور بودن نکاح مسیاری و به دلیل عدم نیاز به چنین نوع ازدواجی در فقه شیعه، بسیاری از فقهای شیعه همچنان نظری در این باره ارائه نکرده‌اند. با این حال، در میان مراجع معاصر، آیت‌الله مکارم شیرازی نکاح مسیاری را در واقع مشابه نکاح موقت در فقه امامیه دانسته و آن را صحیح می‌شمارد؛ و از نظر ایشان اگر افراد قصد دارند نکاح مسیاری را انجام دهند، باید توجه داشته باشند که شرط را در متن عقد نیاورند و یا اگر شرطی را در متن عقد می‌آورند، آن را به صورت شرط فعل بیان کنند نه به صورت شرط نتیجه، زیرا شرط نتیجه ممکن است مشکوک باشد. به این معنی که اگر کسی بگوید: من با تو ازدواج می‌کنم و از تو نفقه و قسم را طلب نمی‌کنم. این نوع شرط که فقط تعهد به عدم مطالبه است، اشکالی ندارد زیرا حق اوست که مطالبه نکند. به‌طور مشابه، در مورد ارث، پدر می‌تواند اعلام کند که خانه به فرزندش تعلق دارد، مشروط بر این که در زمان تقسیم ارث، درخواست هیچ چیزی نداشته باشد. در اینجا، شرط «مطالبه نکردن» به‌عنوان شرط فعل مطرح می‌شود و از نظر شرعی ایرادی ندارد؛ بنابراین، زن نیز در نکاح مسیاری می‌تواند متعهد شود که نفقه و قسم را مطالبه نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ش: ۴۲).

## ۲-۲. ماهیت و ارکان نکاح موقت از نظر فقهای فریقین

### ۲-۲-۱. ماهیت نکاح موقت (متعّه)

ازدواج موقت، ازدواجی است که بین زن و مردی که هیچ مانعی از ازدواج با یکدیگر ندارند، با رضایت طرفین و به همراه مهر معین برای مدت‌زمان مشخصی بسته می‌شود. این نوع ازدواج طلاق ندارد و با پایان مدت تعیین شده، به‌طور خودبه‌خود منحل می‌شود. در این نوع ازدواج، زن آزاد (غیر کنیز) با رضایت خود و با مهریه مشخص و مدت معین، خود را به ازدواج مردی درمی‌آورد که مانع شرعی از ازدواج با او وجود نداشته باشد. این موانع شامل نسبی، سببی، رضاعی (شیرخوارگی)، شوهردار بودن زن، یا در عده بودن و دیگر موانع شرعی است. با پایان مدت عقد، زوجین بدون نیاز به طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند. در صورتی که زن با مرد آمیزش کرده باشد و یا نایسه نشده باشد، لازم است که عده طلاق را رعایت کند. اگر زن در سنی است که باید حیض ببیند ولی حیض نمی‌شود، باید چهل و پنج روز عده نگه دارد. ازدواج موقت، ازدواجی است که مدت و زمان در آن شرط شده باشد و این شرط بستگی به توافق زن و مرد دارد. مدت می‌تواند از یکبار هم‌بستر شدن یا چند ساعت و یا چند روز و یا چند سال تعیین شده و یا فقط در دیدار شبانه و یا در دیدار روزانه منحصر شود (علی‌زاده اشکوری، ۱۳۸۲ ش: ۹). امام خمینی (ره) در مورد ازدواج موقت می‌فرماید: «النکاح علی قسمین: دائم و منقطع و کل منهما یحتاج إلی عقد مشتمل علی ایجاب و قبول لفظی و دالین علی إنشاء المعنی المقصود و الرضایه ... فلا یکفی مجرد الرضا القلبی من الطرفین و لا المعاطاه الجاریه فی غالب المعاملات» نکاح بر دو قسم است: دائم و موقت، هر کدام از آن‌ها نیازمند عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی بوده و بر رضایت طرفین و اراده آنان دلالت معتبری داشته باشد، صرف رضایت دو طرف و حتی معاطات (معامله عملی بدون قرارداد در قالب الفاظ خاص) کافی نیست (امام خمینی، ۱۳۹۲ ش: ۲۲۳).

سرخسی از علمای حنفی می‌گوید: «تفسیر المتعه أن یقول المرأة: أتمتع بک کذا من المدهی بکذا من البذل و هذا باطل عندنا.» متعه آن است که مردی به زن بگوید، تو را تا فلان زمان در مقابل فلان بدل (از مال و عمل) متعه نمودم و این نکاح نزد ما باطل است (سرخسی، ۱۹۹۳ م: ۱۵۲).

موسی جاراالله (از فقه‌های اهل سنت) می‌گوید: «نکاح متعه (ازدواج موقت) از بقایای نکاح جاهلی بوده و قبل از اسلام رواج داشته است.» به نظر وی این ازدواج یک امر تاریخی قلمداد شده و به‌عنوان حکم شرعی از جانب شارع نمی‌باشد و می‌گوید متعه در شرع اسلام مباح نبوده است؛ بنابراین نسخ آن، نسخ حکم شرعی نبوده است؛ بلکه نسخ آثار جاهلیت است و بر حرمت متعه اجماع وجود دارد (امینی، ۲۰۰۸ م: ۲۲۷).

### ۲-۲-۲. ارکان نکاح موقت (متعه)

ازدواج موقت چهار رکن اساسی دارد:

- الف) صیغه:** عقد موقت باید با یکی از الفاظ «زوجتک» یا «متعتک» یا «آنکتک» باشد و عقد با الفاظ دیگر مانند «تملیک» «هبه» و «اجاره» منعقد نمی‌شود.
- ب) متعاقدين:** دومین رکن مهم ازدواج موقت، وجود زن و شوهر می‌باشد که همانند ازدواج دائم وجود یکسری شروط در متعاقدين الزامی است.
- ج) مدت:** در نکاح منقطع مدت باید کاملاً معین باشد و باید مدت را به‌طوری معین کنند که احتمال کم و زیاد شدن نداشته باشد (امام خمینی، ۱۳۹۲ ش: ۲۹۰).
- د) مهر:** اگر هنگام خواندن صیغه متعه، مهریه ذکر نشود، عقد نیز باطل خواهد بود؛ و هر چیزی از عین یا منفعت که تملک آن صحیح باشد می‌توان مهر قرار داد (المحقق الحلی، ۱۹۶۹ م: ۱۶۸).

### ۲-۲-۳. آثار نکاح موقت

- آثار نکاح موقت برخلاف ارکان آن در وقوع یا عدم وقوع زوجیت دخالتی ندارد. در اینجا بر آنیم سه مورد از مهم‌ترین آثار نکاح موقت را ذکر کنیم.
- توارث در نکاح موقت:** این مورد یکی از مسائلی است که مورد اختلاف شدید بین فقها قرار گرفته و در این‌باره چهار قول مطرح است:
- قول اول:** ارث برای مطلق زوجین از یکدیگر چه شرط توارث بکنند یا نکنند (طرابلسی، ۱۴۰۶ ق: ۲۴۳).
- قول دوم:** عدم ارث برای مطلق زوجین از یکدیگر؛ توارث بین زوجین منحصر به عقد دائم است و با عقد متعه، توارث حاصل نمی‌شود حتی اگر ضمن عقد شرط شده باشد و این شرط باطل است (حر عاملی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۴: ۴۸۷).
- قول سوم:** ثبوت ارث در صورتی که طرفین شرط عدم ارث نکنند؛ مقتضای عقد متعه، به‌طور کلی توارث است، مگر آنکه خلاف آن در عقد شرط شده باشد (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ۴۶۵).
- قول چهارم:** توارث در عقد متعه تنها در صورتی برقرار است که در متن عقد شرط شده باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، مقتضای عقد متعه به‌خودی‌خود توارث را به همراه ندارد و تنها با وجود شرط ضمن عقد، توارث برقرار می‌شود (طوسی، ۱۳۶۴ ش: ۲۶۳).

به نظر می‌رسد که از چهار قول مطرح شده، می‌توان این‌گونه نظر داد که: چنانچه شرط توارث برای هر دو یا برای یک نفر از زوجین شده باشد، آن شرط نافذ و لازم‌الاجراست؛ زیرا هدف عمده ازدواج موقت، تشکیل خانواده و بقاء نسل نمی‌باشد بلکه هدف آن ارضای غریزه جنسی نیز می‌باشد.

توالد فرزندان در نکاح موقت: در صورتی که بعد از نزدیکی با زن متعه، بچه‌ای به دنیا بیاید و فاصله هم به مقداری باشد که امکان تولدش از نطفه آن مرد وجود داشته باشد، کودک به مرد ملحق می‌شود اگرچه عزل منی صورت گرفته باشد (امام خمینی، ۱۳۹۲ ش: ۲۹۱).

نکاح موقت: در عقد متعه، اکثر تعهدات زوجین جنبه قراردادی دارد و توافق طرفین است که می‌تواند میزان نفقه، تمکین، ریاست شوهر، کیفیت ریاست و به نظر برخی اصل ارث را تعیین کند (شهید ثانی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲: ۲۹۶). الزام شوهر به نفقه دادن در نکاح دائم است و در نکاح موقت، شوهر چنین الزامی ندارد و مرد لزومی برای تهیه مسکن و لباس و غذا و اثاث منزل که به‌طور متعارف و با وضعیت اجتماعی زن تناسب داشته باشد، ندارد.

#### ۲-۲-۴. حکم شرعی نکاح موقت (متعه)

همان‌طور که گفتیم، تمام علمای اسلام بر مشروعیت نکاح موقت در صدر اسلام اجماع دارند. همچنین، فقهای امامیه بر استمرار مشروعیت این نوع ازدواج و عدم نسخ آن توافق نظر دارند؛ و اخبار متواترشان بر بقای مشروعیت ازدواج موقت تأکید دارد. در مقابل، فقهای اهل سنت به عدم بقای مشروعیت و نسخ آن اجماع کرده‌اند، هرچند که در کتب فقهی، بر بقای مشروعیت نکاح موقت (متعه) تأکید شده و برخی از بزرگان، صحابه و تابعین به مشروعیت آن و عدم نسخ آن اعتقاد داشته‌اند (محقق کرکی، ۱۴۰۸ ق: ۱۷)؛ بنابراین، در خصوص حکم نکاح متعه دو نظر اصلی میان فقها وجود دارد:

قول به بقای حکم مشروعیت نکاح موقت: بر اساس این نظر، مشروعیت نکاح متعه همچنان پابرجاست و نسخ نشده است.

دیدگاه نسخ مشروعیت متعه به این معناست که مشروعیت نکاح موقت (متعه) به‌طور رسمی نسخ شده و دیگر پذیرفته نمی‌شود.

آیه‌ای که دلالت بر جواز ازدواج موقت می‌کند، نیز در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در آن شیعه و حتی بسیاری از اهل سنت اتفاق نظر دارند، آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء است که خداوند در آن می‌فرماید: «فما استمتعتم به منهن فأتوهن أجورهن فریضه» (پس آنچه که به سبب آن از زنان استمتاع نمودید، اجر و مهریه آنان را بپردازید که بر شما واجب است).

در خلاصه الایحاز آمده است: از دلایلی که این آیه حقیقت شرعی در متعه دارد این است که وصف «اجر» در آیه تنها برای متعه بیان شده در صورتی که مهریه در ازدواج دائم؛ فرضیه، نحلّه و صدق می‌باشد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق). همچنین در کتاب فقه القرآن آمده است: ظاهر کلمه (فرضیه) و نیز (اجورهن) مؤید برداشت امامیه از آیه است که همان عقد انقطاعی باشد؛ زیرا به اتفاق رأی فقهای مذاهب اسلامی، در نکاح دائم تمام مهریه با تحقق عقد صحیح ثابت نمی‌شود و طلاق پیش از استمتاع، موجب نصف مهریه می‌گردد و استمتاع کامل شرط پرداخت مهریه به صورت کامل است. در حالی که در عقد نکاح منقطع، دخول، شرط استحقاق مهر کامل نیست و برای ثبوت مهر، مطلق استمتاع و بهره‌وری کافی است و در قرآن از مهریه نکاح دائم

تعبیر به صدق و غله شده است که اجر و مزد می‌باشد (شریفی، ۱۳۸۵ ش: ۱۱). از امام صادق (ع) درباره ازدواج موقت سؤال شد. ایشان در جواب فرمودند: حلال است. رسول خدا (ص) متعه را حلال نمود و آن را تا روزی که از دنیا رفت، تحریم نکرد (حر عاملی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۱: ۷).

### ۳. آراء و ادله موافقین نکاح مسیار

#### ۳-۱. آراء موافقین نکاح مسیار

آیت‌الله مکارم شیرازی به‌طور مختصر به بررسی نکاح مسیار پرداخته‌اند و فرموده‌اند: «نکاح مسیار ادله نکاح دائم و اطلاق آیات و روایات ما نحن فیه را شامل می‌شود، چراکه نکاحی است جامع همه شرایط، صیغه عقد دائم خوانده شده و مهریه دارد و اگر حضور شهود را هم لازم بدانند شهود هم حاضرند، پس تمام شرایط جمع است.» ادله‌ای که به مشروعیت نکاح موقت اشاره دارد، شامل مواردی مانند آیه «وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» و نیز «أَحَلَّ اللَّهُ النَّكَاحَ وَحَرَّمَ السَّفَاحَ وَالزَّانَا» است که دلالت بر جواز ازدواج موقت دارند. این ادله نشان می‌دهد که نکاح موقت در اصول خود صحیح است. در عین حال، زدودن برخی حقوق مانند نفقه، مسکن و حق قسم، به اصل نکاح لطمه نمی‌زند. این موارد می‌توانند به‌عنوان تنازل و گذشت زن از برخی حقوق خود در نظر گرفته شوند؛ به عبارت دیگر، چون این حقوق حق زن است، او می‌تواند با رضایت خود از برخی از آن‌ها صرف‌نظر کند و مثلاً بگوید که نفقه، مسکن و حق قسم را نمی‌خواهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ش: ۴۴-۴۱)؛ و البته در نکاح مسیار نباید شرط را در متن بیاورند و اگر می‌آورند باید به صورت شرط فعل بیاورند. شیخ عبدالله، عضو هیئت کبار علمای سعودی و قاضی دادگاه، بر این باور است که ازدواج مسیار صحیح است، هرچند که با کراهت همراه است. لازم به ذکر است او معتقد است که این نوع ازدواج می‌تواند به زن اهانت کند و موجب نارضایتی او گردد؛ و تعیین اسقاط حقوق ضمن عقد، توسط زن صحیح است (نصیری، ۱۳۹۳ ش: ۷۰). خطیب مسجدالحرام هم این نوع ازدواج (نکاح مسیار) را مشروع می‌داند و می‌گوید این ازدواج صحیح است ولی مایه سکون و آرامش نیست (تمیمی، ۱۴۱۸ ق: ۵).

#### ۳-۲. ادله موافقین نکاح مسیار

**دلیل اول:** با توجه به آیه «وَانكحوا الایامی منكم و الصالحین من عبادكم و إمامكم أن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم» «و همچنین باید مردان بی‌همسر و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به ازدواج یکدیگر درآورد. اگر مردان و زنان فقیر باشند، خداوند به فضل و لطف خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد کرد. خداوند رحمتش وسیع و نامتناهی است و از احوال بندگان آگاه است.» با این استدلال که این آیه، خداوند تعالی را به تلاش برای تزویج صالحان و تشویق به ازدواج امر می‌کند، ازدواج مسیار به مردانی که قبلاً ازدواج کرده‌اند و به دلایلی اکنون به شخص دیگری علاقه‌مندند، لیکن توانایی مالی برای تأمین نفقه یا مسکن برای زوجه جدید را ندارند، این امکان را می‌دهد که از این طریق به هدف خود برسند و از افتادن در گناه جلوگیری کنند (برکات، ۱۹۹۸ م).

نقد ادله: این استدلال مخدوش است، زیرا این آیه دلالتی بر اثبات صحت نکاح مسیار ندارد، زیرا منظور از نکاح در این آیه، عقدی است که مطابق با قواعد شرع باشد. در حالی که در فرض کنونی، صحت نکاح مسیار به‌عنوان عقدی شرعی و صحیح قابل اثبات نیست و استناد به این آیه شریفه صحیح نیست.

**دلیل دوم:** ادله دیگر موافقین نکاح مسیاری، روایتی است که بیان می‌دارد: حکیم بن معاویه از پدرش نقل می‌کند که «روزی مردی از پیامبر اکرم (ص) پرسید: حق زن بر شوهرش چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: هرگاه طلب رزق نمود، غذایش را تأمین کند و هرگاه لباس نیاز داشت برایش فراهم نماید، وی را تحقیر نکند و او را جز در منزل خودش تنها نگذارد» (ابن ماجه، بی تا: ۳۱۱).

وجه استدلال این است: زن حق تصرف در حقوق خود را دارد و اجرای این حقوق بر عهده اوست. رضایت وی در اسقاط این حق و توافق میان زن و شوهر نیز به هیچ وجه با دستورات شرع مخالف نیست. نقد ادله: این روایت در مقام بیان حکم کلی نکاح مانند نکاح مسیاری نیست.

**دلیل سوم:** دلیل دیگری که در خصوص صحت نکاح مسیاری به آن استناد نموده‌اند اجماع است. بدین صورت که بیان می‌کنند: اجماع کل فقهای شیعه و اجماع بیشتر علمای اهل سنت در خصوص صحت نکاح مسیاری وجود دارد. نقد ادله: درست است که برخی از فقهای شیعه و اجماع بیشتر علمای اهل سنت در این خصوص اختلاف نظر دارند و عده‌ای مخالف این نوع ازدواج هستند. پس چگونه می‌توان گفت اجماعی وجود دارد در حالی که بسیاری از علمای شیعه به بررسی این نوع ازدواج پرداخته‌اند و این که مخالفانی در میان اهل سنت در مورد این نکاح وجود دارد.

**دلیل چهارم:** دلیل دیگر اهل سنت برای صحت این نوع نکاح، عقل می‌باشد به این صورت استدلال می‌کنند که در این نوع ازدواج دارای مزایای فراوانی است. به نیازهای فطری پاسخ می‌دهد، مانع از فحشا می‌شود و در مواردی که زن صاحب فرزند می‌شود، به کاهش تعداد زنان بدون شوهر کمک می‌کند. نقد ادله: ازدواج دائم و ازدواج موقت هم همین اهداف و به مراتب اهداف والاتری را دنبال می‌کند و تا زمانی که ازدواج شرعی و قانونی برای تأمین این اهداف وجود دارد نیازی به ازدواج نوظهور مسیاری نیست.

**دلیل پنجم:** دلیل دیگری برای مشروعیت نکاح مسیاری، استناد به قاعده فقهی «درء المفسده مقدم علی جلب المصلحه» است. به این معنا که مفسده مورد نظر در این بحث، عمل زناست و نکاح مسیاری می‌تواند این مفسد را برطرف کند. اگر با توجه به مصالح شخصی زن، حکم به بطلان این نوع ازدواج صادر شود، در واقع با ممانعت از آن، ممکن است جامعه را به سوی مشکلات اجتماعی و مفسد سوق داده باشیم (مظفر، ۱۴۰۵ ق: ۳۷۸).

**نقد ادله:** باید گفت که قاعده «درء المفسده مقدم علی جلب المصلحه» عمدتاً در استدلالات فقهی اهل سنت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و در کتب فقهی امامیه به عنوان قاعده‌ای عام و قابل استناد به شکل گسترده‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین حکمت‌های نکاح، جلوگیری از بی‌بندوباری و مفسد اخلاقی است، ولی این نکته به تنهایی دلیل تامه برای مشروعیت نکاح مسیاری نیست. نگرانی برخی فقهای اهل سنت درباره پیامدهای نکاح مسیاری نشان‌دهنده نقطه مقابل این استناد است، زیرا آن‌ها معتقدند که پذیرش این نوع ازدواج می‌تواند به فروپاشی نظام خانواده منجر شود. دلایل دیگر از جانب اهل سنت مبنی بر صحت نکاح مسیاری وجود دارد که در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام، به همین مقدار، اکتفا می‌کنیم.

## ۴. آراء و ادله مخالفین نکاح مسیاری

### ۴-۱. آراء مخالفین نکاح مسیاری

برخی از علما بر حرمت ازدواج مسیاری رأی داده‌اند. عبدالغفار الشریف می‌نویسد: «ازدواج مسیاری بدعتی جدید است که توسط افرادی با نفس ضعیف و کسانی که به دنبال رهایی از مسئولیت‌های خانوادگی هستند، به وجود آمده است. این افراد از ازدواج برای برآوردن نیازهای جنسی خود به‌طور شرعی استفاده می‌کنند؛ بنابراین، ازدواج موقت (متعّه) نیز، حتی اگر به‌صورت عقد شرعی برگزار شود، مجاز نیست» (أشقر، ۱۴۲۰ ق: ۱۸۱). فقیه دیگری از اهل سنت با بیان اینکه نکاح مسیاری با ازدواج‌هایی چون نکاح نهاریات یا لیلیات (که در آن، همسر تنها در شب یا روز مشخصی در دسترس است) تفاوت دارد، معتقد است که نکاح مسیاری یک نوع ازدواج اسلامی نیست و احکام آن با ازدواج‌های مذکور فرق دارد. (قره‌داغی، ۱۹۹۸ م: ۵۷).

برخی از علما در مورد حکم ازدواج مسیاری دچار تردید شده‌اند، زیرا به نظر آن‌ها حکم این مسئله به‌طور واضح مشخص نیست و نیاز به تأمل و بررسی بیشتری دارد.

### ۴-۲. ادله مخالفین نکاح مسیاری

**دلیل اول:** استناد به آیه شریف «من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها و جعل بینکم مودّه و رحمه أن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (روم/ ۲۱) وجه دلالت این آیه بر ازدواج، تسکین و آرامش برای زوجین است. درحالی که هدف ازدواج مسیاری با این هدف در تضاد است. در ازدواج مسیاری، زن به‌خوبی آگاه است که هدف از انتخاب او صرفاً ارضای میل جنسی است و این پیوند همواره با تهدید طلاق روبه‌روست (شریف، ۱۹۹۸ م).

**نقد ادله:** در پاسخ باید گفت که ایراد مطرح‌شده تنها به یکی از حکمت‌های ازدواج اشاره دارد و علت تامه نیست. ازدواج اهداف متعددی دارد و وجود هر یک از این اهداف می‌تواند برای مشروعیت آن کافی باشد.

**دلیل دوم:** استناد به حدیث پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «ألا و حقهن علیکم أن تحسنوا إلیهن فی کسوتهن و طعامهن»، نشان می‌دهد که برخی حقوق به‌طور مشخص بر عهده مرد نسبت به زن قرار داده شده است. این حقوق شامل نفقه، مسکن و حق هم‌خوابی است. در ازدواج مسیاری، توافقات موجود مانند اسقاط نفقه، حق مسکن و حق هم‌خوابی به‌طور کامل در نظر گرفته نمی‌شود و برخلاف دستور شرع است که ممکن است موجب بطلان و فساد عقد نکاح گردد (زرار، بی‌تا).

**نقد ادله:** این استدلال زمانی معتبر است که نفقه، مسکن و حق خواب را صرفاً حق زوجه ندانیم، بلکه آن‌ها را به‌عنوان دستوری از سوی شارع که بر عهده زوج قرار داده شده است، در نظر بگیریم.

**دلیل سوم:** دلیل عقلی یکی دیگر از ادله مخالفین نکاح مسیاری است که بیان می‌دارد: مسیاری ابزاری برای تسلط بر زن و تصاحب اموال اوست؛ بنابراین، چنین نکاحی باطل است و تنها به این دلیل که مرد زیبایی و اموال زن را می‌بیند، با او ازدواج می‌کند. این نوع پیوند باعث تحقیر زوجه و کاهش ارزش او می‌شود (قره‌داغی، ۱۹۹۸ م: ۵۷).

**نقد ادله:** اولاً این خطر در نکاح دائم نیز همواره وجود دارد؛ و ثانیاً آنچه در مورد نکاح مسیاری بیان می‌شود مبنی بر تراضی طرفین است.

**دلیل چهارم:** استناد به قاعده «سد ذرائع»: توسط این قاعده به مسائلی حکم می‌دهد که ممکن است به‌طور ظاهری و بالفعل حرام و گناه‌آلود به نظر نرسند، اما پیوسته این خطر وجود دارد که با حلال شمردن آن‌ها،

افراد به ارتکاب اعمال حرام دچار شوند. ازدواج موقت، با توجه به تأکید بر پنهان ماندن آن، پیامدهای اجتماعی خاصی را به دنبال دارد و می‌تواند موجب تزلزل بنیاد خانواده گردد (قره‌داغی، ۱۹۹۸ م: ۵۶).  
نقد ادله: اولاً این قاعده مورد تأیید شیعه نمی‌باشد و ثانیاً قائلین به صحت ازدواج موقت می‌توانند به این نکته استناد کنند که صدور حکم به حرمت ازدواج موقت می‌تواند پیامدهای منفی بیشتری برای سلامت جوامع آن‌ها به همراه داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

ازدواج موقت ازدواجی است که در مدت معینی رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می‌شود. نکاح موقت با ساختار خاص خود برای تسهیل ازدواج، برآوردن نیازهای جنسی به‌طور شرعی و جلوگیری از انحراف و گسترش فساد در جامعه از سوی خداوند در زمان پیامبر اسلام (ص) معرفی و مورد تأیید تمامی معصومین<sup>(ع)</sup> قرار گرفته است؛ اما از دیدگاه اهل سنت، این نوع ازدواج باطل است، زیرا آنان یکی از شروط صحت نکاح را دائمی بودن آن می‌دانند. آن‌ها با تأسیس نکاحی مانند مسیار به‌نوعی کمبود متعه را جبران نموده‌اند. در هر دو نوع ازدواج، زن حق نفقه، قسم و مسکن ندارد و زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند و وجود هر شرطی نیازمند توافق طرفین است البته مسئله ارث بردن و یا نبردن زن در نکاح مسیار میان فقها امری اختلافی است. علیرغم اینکه در ازدواج موقت، مدت‌زمان ازدواج باید به‌طور مشخص تعیین شود و عدم تعیین مهر باعث بطلان آن می‌شود؛ اما در ازدواج مسیار، مدت‌زمان مشخصی وجود ندارد و تعیین مهر نیز شرط صحت نیست. در ازدواج موقت، پایان عقد با انقضای مدت یا بذل مدت صورت می‌گیرد، درحالی‌که در ازدواج مسیار چنین مقرراتی وجود ندارد، درحالی‌که پایان ازدواج مسیار با طلاق است. با توجه به اینکه امروزه ازدواج دائم با مشکلات عدیده‌ای از جمله تحصیل، اشتغال، مسکن و... روبروست و اسلام نه ریاضت و نه رهبانیت را می‌پذیرد و نه هواپرستی و لاابالی‌راهی، ازدواج موقت قانونی است برای پاک شدن جوامع اسلامی از هرگونه بی‌بندوباری جنسی و معضلات حاصل از آن؛ و هر نوع جامعه‌ای با هر نوع مکتب و آیینی برای برون‌رفت از این‌گونه معضلات، می‌تواند از قانون اسلام تبعیت و چاره‌جویی کند. اگرچه نکاح مسیار از منظر برخی فقهای امامیه و اهل سنت نکاحی مباح تلقی می‌شود اما باین حال از نظر مشهور فقهای شیعه با وجود نکاح موقت با دلایل واضح و متقن دیگر نوبت به مسیار نمی‌رسد و دیگر از اشکالات زیادی از جانب فقهای امامیه به دلایل مشروعیت نکاح مسیار وارد شده است، در این مقاله به جهت اجتناب از اطاله کلام چشم‌پوشی می‌کنیم.

## منابع

- ابن قدامه المقدسی، عبدالله بن احمد بن محمد (بی تا)، المغنی، جلد ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- علی زاده اشکور، ذبیح الله (۱۳۸۲ ش)، ازدواج موقت و تعدد زوجات، تهران: نشر فردوس.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم (بی تا) القاموس المحیط، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سلیم، عرفان (۲۰۰۰ م) نکاح المسیار و احکام الانکحة المعرفه، جلد ۱، بیروت: المكتبة العصرية.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید (بی تا) سنن ابن ماجه، جلد ۱، الرياض: مكتبة المعارف.
- أشقر، اسامه عمر سلیمان (۱۴۲۰ ق) مستجدات فقهیه فی قضایا الزواج و الطلاق، اردن: دارالنفاثس.
- الحمدان، منال بنت عبدالعزیز بن علی (۲۰۲۵ م)، «حكم زواج المسیار فی ضوء المقاصد الشرعیة»، المجلة العربیة للدراسات الإسلامیة والشرعیة، ۳۱(۳)، ۳۹۱-۴۲۰.
- الشهید الثانی، عاملی، زین الدین بن علی الجبعی (۱۳۶۹ ش) الروضة البهیة فی شرح المتعه الدمشقیه، جلد ۳، قم: مكتبه طباطبایی.
- (۱۳۶۹ ش) الروضة البهیة فی شرح المتعه الدمشقیه، جلد ۲، قم: مكتبه طباطبایی.
- المحقق الحلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۹۶۹ م) شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۲، نجف: بی نا.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲ ش) تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- (۱۴۲۱ ق) کتاب البیع، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۳ ش) حقوق مدنی، جلد ۴، تهران: انتشارات اسلامی.
- امینی، عبدالحسین (۲۰۰۸ م) الغدیر، جلد ۶، بیروت: دارالکتب العربی.
- بابایی، هانی (۱۳۸۹ ش) «بررسی تطبیقی ازدواج موقت در فقه امامیه و اهل سنت»، پایان نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- برکات، محمد (۱۹۹۸ م) عاصفه المسیار، مجله الوطن العربی ۱۱۱.
- تمیمی، احمد (۱۴۱۸ ق) نکاح المسیار، مجله السره ۴۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۴ و ۲۱، قم: مؤسسه آل البیت.
- خلف، طارق عبدالمنعم (۲۰۱۷ م) «زواج المسیار: رؤیة فقهیة»، مجلة الدراسات الإسلامیة و البحوث الأكادیمیة، ۱۲(۸۲)، ۷۵-۱۰۲.
- زحیلی، وهبه (۱۴۲۸ ق) قضایا الفقه و الفكر المعاصر، دمشق: دارالفکر.
- زرار، ملکه یوسف (بی تا) نکاح المسیار عظم الشبهات و فتنه الشهوات، الشرق الاوسط ۷۱۲۹.
- زیغمی، نعیمی (۲۰۲۳ م) «حكم الإسقاط فی زواج المسیار بین الفقه الإسلامی و القانون الجزائری دراسة فقهیة مقارنة» مجلة البحوث القانونیة و الاقتصادیة، ۲(۶)، ۶۷۰-۶۸۷.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۹۹۳ م) المبسوط: باب نکاح المتعه، جلد ۵، بیروت: دارالمعرفه.
- شریفی، علی (۱۹۹۸ م) زواج المسیار بدعه جدیده، الكويت: صحیفه الوطن.
- شریفی، حسن (۱۳۸۵ ش) ازدواج موقت و چالش ها، قم: نشر در دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۵ ش) تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات مجد.

شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن نعمان عکیری البغدادی (۱۴۱۳ ق) خلاصه الايجاز فی المتعه، قم: موسسه الامام الصادق (ع).

صادقی، محمد (۱۳۸۷ ش) «اهل تسنن و ازدواج مسیار»، مطالعات راهبردی زنان ۴۰: ۴۵-۶۸. طرابلسی، قاضی ابن براج (۱۴۰۶ ق) المهذب، جلد ۲، قم: موسسه نشرالاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ ش) تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، جلد ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عاملی نجفی، محمدحسین شقرائی (۱۳۹۱ ش) مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العالمه، جلد ۴. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

عباسی بناری، رحیمه (۱۳۹۵ ش) «نکاح نوین: مسیار و مشروعیت آن». تارنمای اتحاد خبر، ۲۸ مهر. <https://www.ettehadkhabar.ir>

عسگری، مرتضی (۱۳۷۷ ش) ازدواج موقت در اسلام، مجمع عالم اسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهراسدی (۱۳۸۸ ش) تذکره الفقهاء، جلد ۲. قم: موسسه آل البيت.

عمید، حسن (۱۳۶۲ ش) فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.

فیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۳۷۲ ش) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. جلد ۲. قم: دارالهجره.

قره‌داغی، علی (۱۹۹۸ م) «المسیار بین المؤید و المعارض»، مجله الفرجه ۲۴.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶ ش) حقوق خانواده، جلد ۱، تهران: انتشارات مدرس.

— (۱۳۸۹ ش) دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران: نشر میزان.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ ش) اصول الکافی، جلد ۵، تهران: دارالکتب الاسلامی.

لغت‌نامه دهخدا (۱۴۰۳ ش) موسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، ۳۰ مرداد. <https://dekhoda.ut.ac.ir>

— (۱۴۰۳ ش) موسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، ۳۰ مرداد. <https://dekhoda.ut.ac.ir>

محقق کرکی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد ۱۳، قم: مدرسه آل البيت.

محمدی‌نژاد، حسین (۱۳۹۲ ش) قانون مدنی (ماده ۱۸۳)، تهران: اخوان.

مظفر، محمدرضا (۱۴۰۵ ق) اصول الفقه. قم: مؤسسه نشر دانش اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲ ش) کتاب النکاح، جلد ۵، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

نجفی جوهری، محمدحسن (۱۴۱۲ ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۲۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نراقی، احمد (بی‌تا) عوائدالایام فی بیان الاحکام و مهمات مسائل الحلال والحرام، عراق: چاپ سنگی.

نصیری، بدریه (۱۳۹۳ ش) «مطالعه تطبیقی نکاح موقت با نهادهای مشابه در فقه» پایان‌نامه، اراک: دانشگاه اراک.

یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۳۹۵ ش) بررسی فقهی و حقوقی خانواده: نکاح و انحلال آن، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.

### چکیده مبسوط

ازدواج موقت، نوعی ازدواج شرعی است که در آن رابطه زوجیت برای مدت معین و با مهریه‌ای مشخص بین زن و مرد برقرار می‌شود و پس از پایان مدت یا بذل آن، رابطه منقضی می‌گردد. این نوع ازدواج در صدر اسلام مورد قبول همه مسلمانان بود و در دوران پیامبر اسلام (ص) و حتی پس از وفات ایشان در زمان خلافت ابوبکر رایج بود. با این حال، در دوران خلافت عمر بن خطاب، این ازدواج حرام اعلام شد. پس از این حکم، مسلمانان در مورد مشروعیت ازدواج موقت به دو گروه تقسیم شدند: اهل سنت که قائل به حرمت آن هستند و فقهای امامیه که جواز آن را پذیرفته‌اند. در قانون مدنی ایران نیز ازدواج موقت مشروع شناخته شده است. از سوی دیگر، ازدواج مسیاری نوعی ازدواج دائم است که در آن برخی از حقوق زوجیت مانند نفقه و سکونت از سوی زن اسقاط می‌شود و به همین دلیل شباهت‌هایی با ازدواج موقت دارد. این نوع ازدواج در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاورمیانه رواج یافته و در فقه اهل سنت مورد بحث قرار گرفته است. برخی از فقهای اهل سنت آن را جایز دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر به حرمت یا احتیاط در آن رأی داده‌اند. در فقه شیعه نیز برخی مراجع با شرایط خاصی به جواز آن فتوا داده‌اند، اما با توجه به پذیرش ازدواج موقت در فقه امامیه، نیاز چندانی به پذیرش ازدواج مسیاری احساس نمی‌شود. به طور کلی، ازدواج موقت و مسیاری هر دو به عنوان راه‌حلی برای برخی مشکلات اجتماعی و اقتصادی مطرح شده‌اند، اما اختلافات فقهی و حقوقی گسترده‌ای در مورد مشروعیت و شرایط آنها وجود دارد. در این مقاله، به بررسی تطبیقی این دو نوع ازدواج پرداخته و دیدگاه‌های مختلف فقهی را در این زمینه تحلیل می‌کنیم. هدف از این پژوهش، روشن ساختن نقاط افتراق و اشتراک این دو نهاد حقوقی و ارائه راهکارهای فقهی و حقوقی جهت تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر جامعه اسلامی است.

ازدواج موقت، ازدواجی است که بین زن و مردی که هیچ مانعی از ازدواج با یکدیگر ندارند، با رضایت طرفین و به همراه مهر معین برای مدت زمان مشخصی بسته می‌شود. این نوع ازدواج طلاق ندارد و با پایان مدت تعیین شده، به‌طور خودبه‌خود منحل می‌شود. ازدواج موقت، ازدواجی است که مدت و زمان در آن شرط شده باشد و این شرط بستگی به توافق زن و مرد دارد. مدت می‌تواند از یک‌بار همبستر شدن یا چند ساعت و یا چند روز و یا چند سال تعیین شده و یا فقط در دیدار شبانه و یا در دیدار روزانه منحصر شود. نکاح مسیاری یک نوع ازدواج دائم محسوب می‌شود که در آن، زن به‌صورت ارادی از برخی حقوق خود مانند نفقه، مسکن و حق قسم چشم‌پوشی می‌کند. برخی منابع اهل سنت به این نکته اشاره کرده‌اند که این نوع نکاح برای اولین بار در عربستان سعودی مطرح شد و سپس در سایر کشورهای اسلامی گسترش یافت. برخی از فقهای اهل سنت و تعداد کمی از فقهای امامیه، نکاح مسیاری را تحت شرایطی مشروع می‌دانند. استدلال‌های آن‌ها به شرح زیر است: بسیاری از فقها معتقدند که نکاح مسیاری می‌تواند موجب کاهش فحشا و روابط غیرشرعی شود. به نیازهای فطری پاسخ می‌دهد، مانع از فحشا می‌شود و در مواردی که زن صاحب فرزند می‌شود، به کاهش تعداد زنان بدون شوهر کمک می‌کند. استناد به قاعده فقهی «درء المفسده أولى من جلب المصلحه»: به این معنا که مفسده موردنظر در این بحث، عمل زناست و نکاح مسیاری می‌تواند این مفسد را برطرف کند. اگر با توجه به مصالح شخصی زن، حکم به بطلان این نوع ازدواج صادر شود، در واقع با ممانعت از آن، ممکن است جامعه را به سوی مشکلات اجتماعی و مفسد سوق داده باشیم. در مقابل، برخی فقهای اهل سنت و اکثر فقهای امامیه مخالف نکاح مسیاری هستند: ازدواج باید به هدف تأمین آرامش و استحکام خانواده باشد، درحالی‌که در نکاح مسیاری، زن دائماً در نگرانی طلاق به سر می‌برد. برخی حقوق به‌طور مشخص بر عهده مرد نسبت به زن قرار داده شده است. این حقوق شامل نفقه، مسکن و حق هم‌خوابی است. در

ازدواج مسیار، توافقات موجود مانند اسقاط نفقه، حق مسکن و حق هم‌خوابی به‌طور کامل در نظر گرفته نمی‌شود و برخلاف دستور شرع است که ممکن است موجب بطلان و فساد عقد نکاح گردد. مسیار ابزاری برای تسلط بر زن و تصاحب اموال اوست؛ بنابراین، چنین نکاحی باطل است و تنها به این دلیل که مرد زیبایی و اموال زن را می‌بیند، با او ازدواج می‌کند. این نوع پیوند باعث تحقیر زوجه و کاهش ارزش او می‌شود. بیشتر فقهای امامیه، نکاح مسیار را با توجه به پذیرش نکاح موقت غیر ضروری دانسته‌اند. از علمای معاصر شیعه نیز حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و برخی از مراجع مانند آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی، آیت‌الله محمدتقی بهجت (ره)، آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، اجمالاً آن را مطرح و با شرایطی خاصی، فتوا به جواز و مشروعیت آن داده‌اند. بررسی تطبیقی نکاح مسیار و نکاح موقت نشان می‌دهد که هر دو نوع ازدواج، نوعی انعطاف‌پذیری را در نهاد نکاح اسلامی فراهم می‌کنند. در حالی که نکاح موقت در فقه شیعه دارای جایگاه مشخصی است، در مقابل، اهل سنت این نوع ازدواج را باطل می‌دانند و به تأسیس نکاحی مشابه به نام نکاح مسیار پرداخته‌اند. در هر دو نوع ازدواج، زن حقوقی از جمله نفقه، قسم و مسکن ندارد و همچنین حق ارث بردن از یکدیگر را نیز ندارند، اگرچه در مورد ارث در نکاح مسیار اختلاف نظر وجود دارد. ازدواج موقت نیاز به تعیین مدت و مهر دارد و پایان آن با انقضای مدت یا بذل مدت صورت می‌گیرد. در حالی که نکاح مسیار مدت مشخصی ندارد و تعیین مهر نیز از شرایط صحت آن نیست و پایان آن با طلاق انجام می‌شود. با توجه به مشکلاتی که در ازدواج دائم وجود دارد، ازدواج موقت به عنوان یک راهکار برای کاهش بی‌بندوباری جنسی در جوامع اسلامی مطرح شده است. اگرچه نکاح مسیار از سوی برخی فقها مباح تلقی می‌شود، اما از نظر مشهور فقهای شیعه، با وجود نکاح موقت، نیازی به آن احساس نمی‌شود و اشکالاتی نیز به مشروعیت آن وارد شده است.

## Extended Abstract

Temporary marriage is a type of legal marriage in which the marital relationship is established for a specified period and with a defined dowry between a man and a woman. After the expiration of this period or the forbearance of it, the relationship ends. This type of marriage was accepted by all Muslims in the early days of Islam and was common during the time of the Prophet Muhammad (PBUH) and even after his death during the caliphate of Abu Bakr. However, during the caliphate of Umar ibn al-Khattab, this type of marriage was declared unlawful. Following this ruling, Muslims became divided into two groups regarding the legitimacy of temporary marriage: the Sunni scholars who deem it forbidden and the Shia jurists who accept its permissibility. In the Iranian Civil Code, temporary marriage is also recognized as legitimate. On the other hand, Misyar marriage is a type of permanent marriage in which certain marital rights, such as maintenance and housing, are waived by the woman. Consequently, it bears similarities to temporary marriage. This type of marriage has become prevalent in the Arab countries of the Persian Gulf and the Middle East and has been discussed in Sunni jurisprudence. Some Sunni scholars consider it permissible, while others have ruled against it or advised caution. In Shia jurisprudence, some authorities have issued fatwas

permitting it under specific conditions; however, given the acceptance of temporary marriage in Shia jurisprudence, there is not much need felt for the acceptance of Misyar marriage.

In general, both temporary and Misyar marriages are presented as solutions to certain social and economic problems, but there are extensive jurisprudential and legal differences regarding their legitimacy and conditions. This article aims to conduct a comparative examination of these two types of marriage and analyze various jurisprudential viewpoints on the subject. The goal of this research is to clarify the points of divergence and convergence between these two legal institutions and to provide jurisprudential and legal solutions to align them with the contemporary needs of the Islamic community.

Temporary marriage is a marriage that occurs between a man and a woman who have no impediments to marrying each other, with the consent of both parties and accompanied by a specified dowry for a predetermined period. This type of marriage does not involve divorce, and upon the expiration of the designated period, it automatically dissolves. Temporary marriage is characterized by the stipulation of duration and time, which depends on the mutual agreement of the man and woman. The duration can be defined from a single act of intimacy to several hours, days, or years, or it may be limited to nighttime or daytime meetings.

Misyar marriage is considered a type of permanent marriage in which the woman voluntarily waives some of her rights, such as maintenance, housing, and the right to cohabitation. Some Sunni sources mention that this type of marriage was first introduced in Saudi Arabia and then spread to other Islamic countries. Some Sunni scholars and a few Shia jurists consider Misyar marriage permissible under certain conditions. Their arguments are as follows: Many scholars believe that Misyar marriage can reduce prostitution and illicit relationships. It addresses innate needs, prevents fornication, and helps reduce the number of unmarried women in cases where the woman has children. They refer to the jurisprudential principle “The prevention of harm takes precedence over the acquisition of benefit,” meaning that the harm in this discussion is fornication, and Misyar marriage can alleviate these harms. If, considering the personal interests of the woman, a ruling of invalidity is issued for this type of marriage, it may lead society toward social problems and moral corruption.

Conversely, some Sunni scholars and most Shia jurists oppose Misyar marriage, arguing that marriage should aim to ensure peace and stability within the family, whereas in Misyar marriage, the woman is constantly in fear of divorce. Certain commitments are explicitly assigned to men regarding the rights of women, including maintenance, housing, and the right to intimacy. In Misyar

marriage, common agreements such as maintenance, housing rights, and the right to intimacy are not adequately considered and it contradicts religious directives, which may result in the invalidation and repudiation of the marriage contract. Misyar is viewed as a tool for dominating women and seizing their property; therefore, such a marriage is deemed invalid, especially since a man may marry simply due to the woman's beauty or wealth. This type of union diminishes the dignity and value of the wife. Most Shia jurists consider Misyar marriage unnecessary given the acceptance of temporary marriage.

Contemporary Shia scholars, including Ayatollah Makarem Shirazi and several other authorities such as Ayatollah Seyyed Ali al-Hosseini Sistani, Ayatollah Mohammad Taqi Bahjat (RA), and Ayatollah Sheikh Javad Tabrizi, have briefly addressed Misyar and issued fatwas permitting its legitimacy under specific conditions. A comparative study of Misyar and temporary marriages indicates that both types of marriage provide a degree of flexibility within the Islamic marital institution. While temporary marriage holds a specific status in Shia jurisprudence, Sunni scholars deem this type of marriage invalid and have established a similar marriage called Misyar. In both types of marriage, women do not have rights such as maintenance, housing, or inheritance from one another, although there are differing opinions regarding inheritance in Misyar marriage. Temporary marriage requires the specification of duration and dowry, and its termination occurs upon the expiration of the period or forbearance of it. In contrast, Misyar marriage does not have a specified duration, and determining the dowry is not a condition for its validity; its termination also occurs through divorce.

Given the issues present in permanent marriage, temporary marriage is proposed as a solution to reduce sexual promiscuity in Islamic societies. Although Misyar marriage is considered permissible by some scholars, the majority of Shia jurists feel that, in light of the existence of temporary marriage, there is no need for it, and there are also objections raised against its legitimacy.

